

پژوهش‌های تاریخی (علمی- پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال چهل و هشتم، دوره جدید، سال چهارم
شماره چهارم (پیاپی ۱۶)، زمستان ۱۳۹۱، ص ۸۶-۷۱

جایگاه روحانیون متنفذ در مدرنیزاسیون قضایی و تدوین قانون مدنی در عصر پهلوی اول

حسن زندیه *

طلعت ده پهلوانی **

چکیده

در طول اعصار پیشین در نظام قضایی ایران، منصب قضاوت همواره در حیطه اختیارات علما و روحانیون بوده است که این امر با رسمی شدن مذهب تشیع در عصر صفوی، از استحکام بیشتری برخوردار گردید. با روی کار آمدن دولت پهلوی، مدرنیزاسیون در کلیه ابعاد و ارکان مملکت در دستور کار قرار گرفت، طبعاً نظام قضایی سنتی مبتنی بر عرف و شرع نیز از دایره شمول مدرنیزاسیون برکنار نماند. این تغییر و تحولات در ساختار اداری و اجرایی کشور با واکنش‌هایی از سوی مردم به ویژه علما و روحانیون مواجه گردید، به ویژه در حوزه نظام قضایی که علما و روحانیون شیعی به طور سنتی خود را متولی امر قضا می‌دانستند. از آنجا که رویکرد دولت پهلوی در نظام قضایی، دوری جستن از نظام قضایی شرعی و تمایل به ساختارهای غربی بود، با مخالفت بیشتری از سوی ایشان مواجه گردید، بنابراین آنچه که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ این موضوع است که اشخاص و متنفذینی که در نوسازی دستگاه قضایی ایفای نقش کردند، چه پایگاه‌های داشتند که منتهی به تدوین قانون مدنی بر اساس فقه جعفری گردید؟

واژه‌های کلیدی

نظام قضایی نوین، محسن صدرالاشراف، علمای شیعی، سید محمد فاطمی قمی، دولت پهلوی.

* استادیار تاریخ، دانشگاه تهران zandiyehh@yahoo.com

** کارشناس ارشد تاریخ اسلام، مربی دانشگاه پیام نور کرمانشاه (نویسنده مسؤول) ilapahlavan@yahoo.com

مقدمه

دست نبرند، استدلال علما این بود که به جای قانون شرع، قانون دیگری نه محل احتیاج است نه جایز در کمیسیون تهیه و تدوین قانون مدنی، تمام بحث‌ها و نظرات توسط اعضا صورت می‌گرفت و امتزاج و تلفیق آرا و یادداشت‌ها و نگارش مواد قانون مدنی توسط یک نفر ساخته و پرداخته می‌شد. این امر خطیر که اصلی-ترین کار تهیه قانون مدنی بود، بر عهده سید محمد فاطمی و سایر اعضای کمیسیون که همگی پایگاه‌های روحانی داشتند، گذاشته شد. در این مقاله به احصای علمای و روحانیونی که در مدرنیزاسیون قضایی عصر پهلوی به ایفای نقش پرداختند و به هر جهت ممکن، نفوذ مفید و مؤثر خود را در جهت استمرار فقه و حقوق اسلامی در نوسازی نظام قضایی، به ویژه در تدوین قوانین مورد نیاز عدلیه نوین (تدوین قانون مدنی) به کار گرفتند، پرداخته می‌شود.

بیوگرافی نویسندگان قانون مدنی

با روی کار آمدن علی اکبر داور، موضوع تدوین و تصویب قانون مدنی مورد توجه قرار گرفت. قانون مدنی اساس حقوق جدید ایران محسوب می‌شود، زیرا با تدوین این قانون، فقه که تا آن زمان منحصرأ تحت نظر فقها بود، از این انحصار خارج شد و مخلص کلام فقها به صورت تازه درآمده و بی‌حشو و زواید و تعلیق و حواشی در یکجا جمع و در دسترس عموم گذاشته شد (شایگان، ۱۳۲۴: ۴۱). به عبارت دیگر قانون مدنی به لحاظ شمول موضوع‌های مطروح شده و نیز تنظیم عده ای از مناسبات اجتماعی که به طور عمده بر مبنای امور دنیوی و از متون حقوقی غیرمذهبی برگرفته شده بود در سکولار کردن جامعه ایران نقش مؤثری داشت (قفلی، ۱۳۷۹: ۲۰۳). پس از لایحه تصویب

اشاعه تأثیرات فکری نهضت مشروطیت و حضور طبقه جدید از تحصیل کردگان غرب در کنار طبقه حاکمه، سبب ایجاد رویکردهای مدرنیزاسیون دولت پهلوی در تمام ساختارهای اداری-اجرایی کشور شد که ساختار قضایی را نیز شامل گردید. علی‌اکبر داور بنیانگذار دادگستری نوین که در اصلاحات قضایی پیشتاز گردید، از سال ۱۳۱۶-۱۳۰۴ هـ. ش (۱۹۳۷-۱۹۲۵ م.) با تلاش و جدیت توانست تعدادی از قوانین و مقررات لازم را به تصویب برساند از جمله؛ قانون استخدام قضات، قانون حکمیت، قانون مرور زمان، قانون ثبت اسناد و املاک، قانون مجازات مختلسین، قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قانون محاکمه وزراء و هیئت منصفه، قانون مجازات عمومی، مقررات اجرای لوائح، قانون اختیارات وزیر عدلیه، مقررات حقوق و رتبه‌های قضایی و قوانین دیگر. در این بین یکی از مهم‌ترین قوانینی که با مساعی داور و تصویب کمیسیون عدلیه مورد تأیید مجلس قرار گرفت، قانون مدنی بود که در سال ۱۳۰۷ هـ. ش / ۱۹۲۷ م توسط داور به مجلس ارائه شد. اگرچه وظیفه اصلی این قانون تنظیم روابط قراردادی و خارج از قرارداد اشخاص جامعه است اما در عمل، ضوابط قانون مدنی، حقوق کیفری، عمومی، تجاری و... را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین علت است که شناخت همه جانبه قانون مدنی ارزشمند است زیرا محور اصلی نظام حقوقی هر کشور به شمار می‌آید. طرز تألیف و روش تدوین قانون مدنی تقریباً تقلید بی-تصرفی است از فقه و تقسیم‌بندی آن است. توضیح آنکه نویسندگان و مترجمین قانون مدنی که اکثریت پایگاه‌های مذهبی داشتند، سعی داشته‌اند حتی‌الامکان فصول و تقسیمات فقه اسلامی را نگاه دارند و در آن

قانون مدنی در دهم دی ماه سال ۱۳۰۶ هـ. ش / ۱۹۲۷ م.، کمیسیون تدوین قانون مدنی در وزارت دادگستری تحت ریاست علی اکبر داور به این منظور تشکیل شد. کمیسیون متشکل شده بود از آقایان میرزا سید مصطفی عدل (منصور السلطنه عدل)، میرزا سید نصرالله تقوی (رئیس شعبه دیوان عالی کشور)، محسن صدرالاشراف (معاون اول مدعی‌العموم دیوان تمیز) و میرزا سید محمد فاطمی قمی (مستشار دیوان تمیز) (اطلاعات، ۱۳۰۶: ۴۱۸). علاوه بر اشخاص مزبور که عضو رسمی کمیسیون بودند، آقایان حاجی امام جمعه خوئی، میرزا سید محمد بهبهانی، حاج آقاجمال الدین اصفهانی و امام جمعه تهران به کمیسیون دعوت شدند. این کمیسیون تحت ریاست داور با حضور اعضای اصلی کار خود را آغاز کرد. البته ترکیب دوگانه‌ای که در بین اعضا دیده می‌شود که بیشتر از جهت تقسیم کار بوده است و گرنه میرزا سید نصرالله تقوی، محسن صدرالاشراف و سید محمد فاطمی قمی نیز در زمره فقها بودند. این کمیسیون با دیده احترام و اهمیت زیادی نگریده شده است و این امر حاکی از خطیر بودن وظیفه کمیسیون بوده است. (اطلاعات، ۱۳۰۶: ۳۸۰). در ادامه پایگاه، شخصیت علمی و سوابق علما و روحانیونی که در تدوین قانون مدنی نقش ایفا کردند، تبیین می‌گردد:

میرزا سید محمد فاطمی قمی

میرزا سید محمد فاطمی قمی فرزند حاج میرزا سید حسین، یکی از چهره‌های مشهور تاریخ معاصر ایران از جمله قضات عالیقدر فقیه، از شریعتمداران مجتهد و دانشمندان معاصر در خانواده‌ای ادیب و فاضل در سال ۱۲۹۴ هـ. ق در شهرستان قم متولد شد. (فاطمی قمی،

۱۳۸۹: ۵، فاطمی قمی، ۱۳۷۷: ۱۷). وی از اعضای کمیسیون و انشاءکنندگان اصلی قانون مدنی ایران و بسیاری از قوانین دیگر به شمار می‌آمد و تا انتهای عمر همواره منشأ خدمات علمی و فرهنگی بود (فاطمی قمی، ۱۳۸۹: ۱۵). پدرش حاج میرزا حسین فاطمی از علمای عصر بود، فاطمی تحصیلات خود را در قم شروع کرد و از مدرّسین سرشناس در زمینه‌های مختلف از قبیل فقه، اصول، فلسفه، ادبیات فارسی، ادبیات عرب، منطق و ریاضیات بود و به اجتهاد رسید. وی در کودکی به همراه خانواده‌اش به تهران رفت و به تحصیل علوم قدیم و جدید پرداخت. تحصیلات خود را نزد پدر و علمای حوزه علمیه قم شروع کرد. وی در مدارس دینی سید ناصرالدین و مروی به تحصیل پرداخت (فاطمی قمی، ۱۳۷۷: ۱۶). در علوم عقلیه، ادبیات عرب، فقه و اصول، حکمت، منطق و ریاضیات تبحر یافت و به درجه اجتهاد رسید. وی از شاگردان حاج میرزا محمد حسن آشتیانی (فاطمی قمی، ۱۳۸۹: ۲۰) و هم درس حاج شیخ مرتضی آشتیانی و مرجع فتوی در دیوانعالی کشور بود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۰۲۶۳). وی پس از کسب مدارج علمی، تدریس در حوزه‌های علمیه را شروع کرد. وی همچنین از طرف آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، مجتهد مسلم شناخته شده بود (فاطمی قمی، ۱۳۷۷: ۲۴).

در آغاز نهضت مشروطیت به سلک مشروطه خواهان درآمد و در راه پیشرفت آزادی و مشروطیت، با مشکلات بسیاری مواجه شد. پس از مشروطه، مشغول تدریس در حوزه علمیه قم شد و به حکم سید حسن پیرنیا، وزیر عدلیه وقت، برای خدمت قضایی به عدلیه دعوت شد (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱۰۷۵). در اوایل تأسیس تشکیلات عدلیه به امر قضاوت مشغول شد و پس از چندی به عالیترین مقام قضایی یعنی ریاست شعبه

چهار دیوان عالی کشور رسید (جواهرکلام، ۱۳۸۲: ۱۷۸۱-۱۷۸۰). وی مدتی بعد در کمیسیون هیئت وزراء؛ قانون مرور زمان، قانون ثبت اسناد و جلد اول قانون مدنی که سابقاً آن را نوشته بود، به تصویب رسانید (قمی، ۱۳۸۹: ۷۸). وی مدتی به ریاست محکمه بدایت که در آن زمان دارای پنج شعبه حقوقی و دو شعبه محکمه تجارت و دو شعبه محکمه جزا بوده است، منسوب شد. پس از آن سمتهای قضایی چون: عضویت (معاون) محکمه استیناف، ریاست شعبه استیناف، مشاور محکمه تمیز، مستشار دیوان عالی تمیز بر عهده داشت (فاطمی قمی، ۱۳۷۷: ۳۸-۲۴). در طول سی و شش سال خدمت قضایی خود ریاست شعب یک، دو و چهار دیوانعالی کشور را به عهده داشت و عضو شورای ثبت و کمیسیون ترفیع قضایی بود. وی در کنار مشاغل قضایی، در مدرسه علوم سیاسی و مدرسه عالی حقوق در دانشکده معقول و منقول نیز تدریس کرد و مؤثرترین عضو تدوین قانون مدنی بود و مواد جلد اول قانون مدنی به انشای وی تدوین گردید (جعفری لنگرودی، ۲۵۳۶: ۴، ۲۸۵۶).

در کتاب تاریخ بیست ساله در مورد قضاوت‌هایش آمده است که داور با انحلال عدلیه و با اختیاراتی از مجلس، تصمیم بر تجدید نظر قوانین کشور برای الغای کاپیتولاسیون گرفته بود لذا برخی از قضات، استقلال قضایی خود را حفظ نموده، زیر بار اوامر وزیر و مقامات بالاتر نمی‌رفتند، از جمله؛ میرزا سید محمد فاطمی قمی رئیس محکمه جنایی بود، که از سوی وزیر عدلیه، دستور داشت عده‌ای را محکوم کند، نه تنها از انجام این کار امتناع کرد بلکه اشخاصی را که مورد بغض وزیر بودند، نیز تبرئه نمود که با این استنکاف صریح، وزیر عدلیه دستور حبس ایشان را صادر نمود (مکی، ۱۳۷۴: ۴، ۳۰۱ و فاطمی قمی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۱). شیوه نگارش و انشای حقوقی او

زبانزد خاص و عام بود از آثار تألیفی ایشان فقه فارسی و جلد اول قانون مدنی و همچنین ترجمه کتاب «اسلام و اندیشه‌ها» تألیف کنت هنری دوکاستری نویسنده فرانسوی است که توسط احمد فتحی زغلول مصری از متن اصلی به عربی ترجمه شده بود (دوکاستری، ۱۳۰۹: ۱۱۰). فاطمی در بیست و هشتم مرداد ۱۳۲۴ ه. ش / ۱۹۴۵ م. پس از ۳۶ سال خدمت قضایی و علمی به جامعه ایران، بر اثر بیماری آسم که سالها از آن رنج می‌برد (فاطمی قمی، ۱۳۷۷: ۲۵) در سن ۷۲ سالگی در منزلی، در محله عین‌الدوله تهران چشم از جهان فروبست (فاطمی قمی، ۱۳۷۷، ۳۲). آن روز به دستور حاج شیخ اسدالله ممقانی، وزیر وقت، دادگستری تهران تعطیل شد و با حضور روحانیون و مرحوم حاج سید نصرالله تقوی، رئیس دیوان عالی کشور و حاج میرزا شفیع جهانشاهی رئیس شعبه دوم دیوان کشور و شیخ محمدرضا وجدانی، دادستان کل کشور و شیخ محمد عبده بروجردی پیکرش تشییع شد و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد وی پیش از مرگ تمام اندوخته خود را وقف خدمات عمومی و ساختن بیمارستان در شهر قم کرد (فاطمی قمی، ۱۳۷۷: ۲۵-۲۷).

سید محسن صدر (صدرالاشراف)

سید محسن صدر ملقب به صدرالاشراف در سال ۱۲۴۷ ه. ش / ۱۸۶۹ م. در محلات متولد شد (طلوعی، ۱۳۷۳: ۱ / ۲۷۸). وی فرزند میرزا سید حسین فخرالذاکرین از روضه‌خوان‌های محلات بود. وی دوره مقدماتی و عالی اجتهاد را نزد خانواده‌اش و در مدرسه حاج ابوالحسن معمار اصفهانی صنیع‌الملک آغاز کرد و در کنار این علوم، به قوانین و مقررات جاری عدلیه،

مسئولیت رئیس محکمه استیناف خراسان شد (صدرالاشرف، ۱۳۶۴: ۲۱۵-۲۱۴). پس از یک سال به تهران بازگشت و مستشار دیوان عالی تمیز و رئیس شعبه دیوان تمیز شد. وی در سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ ه.ش مدعی العموم کل شد (صدر، ۱۳۶۴: ۳۰۲-۳۰۰). وی در تشکیلات جدید دادگستری نیز در ریاست شعبه دیوان کشور ابقاء گردید و یکی از اعضای تدوین کنندگان اصلی قانون مدنی بود (عاقلی، ۱۳۷۶: ۲۳۰-۲۲۹). وی دو بار یکی در سال ۱۳۱۲ ه.ش/ ۱۹۳۳ م. و دیگری در سال ۱۳۱۵ ه.ش/ ۱۹۳۶ م. وزیر دادگستری شد و سرانجام در سال ۱۳۲۲ ه.ش/ ۱۹۴۳ م از دادگستری بازنشسته شد و سناتور و رئیس مجلس سنا گردید و تا سال ۱۳۴۱ ه.ش/ ۱۹۶۲ م. در همین سمت ماند (عاقلی، ۱۳۸۰: ۲۳۹-۲۳۰، طلوعی، ۱۳۷۳: ۸/ ۳۱۲). صدرالاشرف از پیشکسوتان عدلیه نوین و از افراد مؤثر هیأت تدوین قانون مدنی بود وی از دوستان مرحوم آیت الله بروجردی مرجع تقلید معروف بود. آیت الله بروجردی درباره ایشان می گوید که شخصیت جزء ذات صدرالاشرف بود، در واقع صدرالاشرف واسطه مشیرالدوله با علماء بود که معمولاً مرحوم بروجردی پیغام‌هایی را که می‌خواست برای شاه بفرستد، توسط صدرالاشرف می‌فرستاد (صدر، ۱۳۶۴: ۲۱۳). تدوین قانون مدنی توسط مجلس شورای ملی در دو مرحله، یکی در زمان وزارت عدلیه علی اکبر داور و دیگری در زمان وزارت عدلیه سید محسن صدر به تصویب رسید، صدر فردی محتاط، فقیه و دارای مشرب روحانی بود. روش کارش با روش داور که متجدد و انقلابی بود، تفاوت داشت او شیوه کار دادگستری را در برخی از امور به شیوه قبل از تشکیل دادگستری جدید برگرداند. با این همه وی در تطبیق خود با فضا و آداب و رسوم تجددخواهانه دوران رضاشاه تعلل نمی‌کرد. مصدق عدم مقاومت او را در

اشراف یافت (طلوعی، ۱۳۷۳: ۱/ ۱۱). بعدها خود را وارد دربار کرد و معلم «نصره‌الدین میرزا» از فرزندان ناصرالدین شاه گردید. آن‌گاه ناظر و پیشکار او شد و در زمان مظفرالدین شاه که «سالارالسلطنه» حکمران همدان شد، صدر به عنوان معلم و سرپرست همراه او بود و در کار حکومت دخالت داشت (طلوعی، ۱۳۷۳: ۱/ ۲۷۸). در آغاز مشروطیت در نخست‌وزیری «ناصرالملک همدانی» به خدمت دادگستری دعوت شد. در سال ۱۳۲۶ ه.ق. که محمدعلیشاه مجلس را به توپ بست، صدرالاشرف بازپرس مشروطه‌خواهان زندانی در باغشاه بود. زمانی که شاه یک مجلس تحقیق، برای رسیدگی به اتهام زندانیان باغشاه در همانجا تشکیل داد (قدسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۲۵۳-۲۵۴)، صدرالاشرف هم در مقام یک قاضی برای شرکت در این مجلس دعوت شد و در آزادی متهمان تلاش کرد ولی سپس روزنامه‌های وابسته به حزب توده، به مناسبت شرکت در دادگاه تحقیق باغشاه، «قصاب»، «دژخیم» و «مستنطق باغشاه» نامیدند و او را به محکوم کردن «گرفتاران باغشاه» متهم کردند (صفایی، ۱۳۷۳: ۱/ ۱۲۵-۱۱۷). ایشان در سال ۱۲۹۸ ه.ش/ ۱۹۱۹ م. از سوی وزارت عدلیه مأمور تأسیس دادگستری در گیلان (مدنی، ۱۳۶۱: ۱/ ۱۲۳) و در سال ۱۳۰۲ ه.ش/ ۱۹۲۳ م. مأمور اصلاح دادگستری آذربایجان شد و با انجام بعضی تغییرات و اصلاحات در تبریز به تهران بازگشت و با تمهیداتی راه ترقی و پیشرفت را آغاز کرد (صفایی، ۱۳۷۳: ۱/ ۱۱۷). وی از ابتدا یعنی از سال ۱۲۸۴ ه.ش/ ۱۹۰۳ م. به عدلیه پیوست و کار خود را با معاونت محکمه جزا آغاز کرد. در سال ۱۲۹۳ ه.ش/ ۱۹۱۴ م. به مدیریت دایره جزایی اداره امور عدلیه و در جمادی‌الاول همین سال به ریاست محکمه استیناف تهران منصوب شد. در سال ۱۲۸۸ ه.ش/ ۱۹۰۱ م.

برابر کشف حجاب و به سرگذاشتن کلاه پهلوی و کراوات نشانه‌ای از عدم پابندی وی به اصول حکومت وقت قلمداد کرد. صدراشرف در دفاع از خویش مدعی شد که هنگامی به سرگذاشتن کلاه پهلوی و پوشیدن کت و شلوار تن در داد که پوشیدن آن با تصویب مجلس به صورت قانون به اجرا گذاشته شد (صفایی، ۱۳۷۳: ۱۱۷). وی در خاطراتش آورده است که شاه همیشه در مورد ملاها و روحانیون نسبت به صدر سوءظن داشته و وی را از طرفداران آنان می‌دانست (صدر، ۱۳۶۴: ۳۰۹). گذشته از این که صدر مدعی شد که خودداری وی به عنوان وزیر دادگستری از اینکه به آسانی از رفتار خودسرانه رضاشاه و پایمال کردن عدالت و اصول قضایی چشم پوشی کند، سبب برکناری وی در سال ۱۳۱۵ه.ش / ۱۹۳۶م. گردید. اگرچه وانمود می‌کرد که شغل وزارت را با اکراه پذیرفته است (صدر، ۱۳۶۴: ۱۴۷-۱۳۰).

در خاطرات وی آمده است که به داور اختیار تغییر و جایگزینی برخی از قضات داده شده بود که حتی - الامکان جهت پیشرفت عدلیه نوین، از رؤسای با نفوذ عدلیه سابق دعوت به عمل نیاورد که یکی از آنها صدراشرف بود که داور تا چندی از دعوت وی خود داری کرد (صدر، ۱۳۶۴: ۲۸۸-۱۳۰). سرانجام ایشان در سال ۱۳۴۱ه.ش / ۱۹۶۲م. در سن ۹۱ سالگی به علت بیماری سرطان در خانه خود در زعفرانیه تجریش درگذشت (صفایی، ۱۳۷۳: ۱۲۱-۱۱۸).

حاج سید نصرالله تقوی

حاج سید نصرالله تقوی از سادات اخوی و از معتقدین و اشخاص فعال مشروطیت بود و از ابتدای تشکیل مجلس شورا تا چند دوره تقنینیه وکیل مجلس بود (صدر، ۱۳۶۴: ۱۷۶). سید نصرالله تقوی فرزند سیدرضا

اخوی لواسانی در سال ۱۲۴۱ه.ش / ۱۸۶۲م. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در همین شهر آغاز کرد. وی در پانزده سالگی در بسیاری از علوم از جمله: صرف و نحو عربی، منطق، بلاغت و بخشی از فصول ادبیات و جز آن متبحر بود. وی برای ادامه تحصیل در علوم اسلامی به لبنان رفت و به فقه و اصول پرداخت و برای ادامه تحصیل از آنجا به سامرا و نجف مهاجرت کرد و در فقه و اصول و ادبیات و عرفان و روایت و نقل احادیث و غیر اینها به اجتهاد رسید. از جمله استادان او شخصیت‌های معروفی چون حاج میرزا حسن آشتیانی، میرزا ابوالحسن جلوه و رئیس‌المحدثین و حاج میرزا حسن نوری بودند.

در ریحانه‌الادب آمده است که حاج سید نصرالله تقوی از اکابر علمای معاصر که فقیهی است بارع و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول و از مشهورترین خاندان سیادت که به سادات اخوی معروف و نسب شریفش با بیست و هفت واسطه به امامزاده ارفع موسی (ع) مبرقع فرزند امام محمد تقی (ع) موصول می‌باشد. وی در ۱۵ سالگی به نحو و صرف و منطق و بلاغت و حساب مبرز گردید، سپس شروع به فقه و اصول و علم معقول کرده، معقول را از استاد المتألهین میرزا ابوالحسن جلوه (اطلاعات، ۱۳۰۷: ۲۳) و منقول را نیز از حاج میرزا حسن آشتیانی فراگرفت. با سرعتی عجیب‌گوی سبقت از دیگران ربود و در اندک زمانی در رشته‌های معقول و منقول و عرفان و علم و عمل قدوة اهل عصر خود شد. سپس عازم عتبات گردید و در حوزه دروس استدلالی اکابر به تصدیق و اجازات ایشان نائل شد. در مورد او می‌گویند که دارای قوه قدسیه الهیه و استنباط احکام شرعیه بود. سند روایت تمام کتب اخبار و فقه و عقائد را به واسطه رئیس‌المحدثین حاج میرزا حسین نوری به حضرات معصومین (ع) و مؤلفین آنها می‌رساند. عاقبت در هنگام

المتکلمین و میرزا محمد علیخان نصرالسلطان در خیابان ناصری (ناصرخسرو فعلی) تأسیس کرد و کتابخانه شخصی خود را به آن هدیه نمود که هسته اصلی کتابخانه ملی کنونی است. وی در شهریور ۱۳۲۵ه.ش/ ۱۹۴۶م. بر اثر کسالت مزاج تقاضای بازنشستگی کرد و از امور قضایی کناره گرفت.

در ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ه.ش/ ۱۹۴۳م. مجلس تقدیری به پاس خدمات سی و پنج ساله او در سالن وزارت دادگستری بر گزار شد و از تلاش های مؤثر و زحمات بسیار او قدردانی گردید. وی در ۱۳ آذرماه ۱۳۲۶ه.ش/ ۱۹۴۷م. در سن ۸۴ سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد (سپهر، ۱۳۴۱: ۳۵۰-۳۵۱). آثار تألیفی و تحقیقی ایشان: محاسن برقی (کتاب معتبر اخبار شیعه)، اشباه و نظایر، ترجمه و تصحیح رساله شناخت شیخ شهاب الدین سهروردی و غیره است (مبارکیان، ۱۳۷۷: ۹۵) و اما تنها نقطه تاریک زندگی حاج سید نصرالله تقوی عضویت در هیأت مدیره یا شورای انقلاب مشروطه دوم بود که دادگاه انقلابی مشروطه را تعیین کرد و این دادگاه حکم اعدام شیخ فضل الله نوری را صادر کرد (مبارکیان، ۱۳۷۷: ۹۴).

شیخ علی بابا فیروزکوهی

آقا شیخ علی بابا عالم (فیروزکوه) معروف به عالم در سال ۱۲۵۰ یا ۱۲۵۱ه.ش/ ۱۸۷۴م. در فیروزکوه به دنیا آمد. خانواده اش از عالمان دین بودند. تحصیلات مقدماتی خود را اعم از فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی در محضر پدر آغاز کرد و در حوزه های علمیه تهران و اصفهان تحصیلات خود را ادامه داد. سطوح عالی فقهت را در مدرسه علمیه اصفهان نزد استاد بزرگش مرحوم استاد الفقها حاج سید محمد باقر درچه ای گذراند. شیخ علی بابا با مرحوم آیت الله

مراجعت از سفر بیت الله الحرام و سفر عتبات عالیات عازم اروپا شد و در تفحص از قوانین موضوعه اروپائی ها و حکم و مصالح آنها اهتمام تمام به کار برد. وی در شمار اکابر و فقها و حکما و علمای سیاسی معدود شد و از مفاخر ملت گردید. کتاب «سیاست» و «عصای موسی» و «هنجار گفتار» از تألیفات وی است که هر سه به زبان پارسی است (تبریزی، ۱۳۷۴: ۱، ۳۴۵-۳۴۶). وی در اروپا به تحصیل حقوق پرداخت و به تحقیق در قوانین موضوعه و حکم و مصالح آن پرداخت و پس از بازگشت به ایران در دیوان عالی تمیز مشغول انجام وظیفه شد. در دوره های نخستین به نمایندگی مجلس شورای ملی به نمایندگی طلاب و مردم تهران انتخاب شد ولی به دلیل عضویت در محکمه عالی تمیز و وزارت عدلیه، با این توجیه که در این مناصب بهتر می تواند خدمت کند، از وکالت مجلس استعفا کرد و به همان شغل قضایی در دیوان تمیز بازگشت. در بسیاری از رخدادهای علمی و فرهنگی و تدوین بسیاری از قوانین حقوقی فعالیت مؤثر داشت و سالها رئیس دیوان عالی تمیز (دادستان کل کشور) بود. وی پس از تشکیل اداره تهیه و تدوین قوانین در دادگستری نوین، عضو اکثر کمیسیون های تدوین قانون بود و حتی ریاست برخی از آنها را برعهده داشت. وی در تهیه و تدوین بسیاری از قوانین مهم نظیر قانون مدنی و قوانین دیگر از جمله؛ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸ه.ش/ ۱۹۳۹م. و قانون تشکیلات دادگستری نقش داشت و در سال ۱۳۲۲ه.ش/ ۱۹۴۳م. رئیس دانشکده معقول و منقول شد. وی از پیشگامان راه اندازی مراکز علمی و فرهنگی بود. او عضو ثابت فرهنگستان ایران (طلوعی، بی تا: ۳۱۶) و عضو انجمن کمیسیون تشکیل دانشگاه تهران نیز به شمار می آمد. وی کتابخانه ملی را با کمک ملک-

بروجردی هم درس بود و با آنکه مرحوم بروجردی خود حافظه‌ای قوی داشت، مع‌ذک در بسیاری موارد از حافظه شیخ علی بابا کمک می‌گرفت. وی پس از اخذ اجتهاد از استادش مرحوم سید محمد باقر درچه‌ای به نجف رفت و در محضر مراجع عالی قدر حوزه علمیه نجف به تکمیل علوم دینی پرداخت و از علماء و مراجع عتبات، اجازات متعدد دریافت کرد و سپس به ایران بازگشت و در مدرسه سپهسالار به تدریس پرداخت. در زمان مرحوم حسن پیرنیا در عدلیه، به همکاری با این وزارتخانه دعوت شد. وی ابتدا به ریاست محاکم صلحیه منصوب شد و تا زمان تشکیل دادگستری نوین در این مقام باقی ماند. در دادگستری نوین به امور قضایی مشغول بود اما کناره‌گیری کرد و به تدریس علوم فقهی در مدرسه عالی حقوق تهران، دانشکده معقول و منقول و کلاس‌های قضایی دادگستری پرداخت. ایشان از مدرسان مدرسه عالی حقوق و سیاسی بود که در علوم فقه و اصول اسلامی تبخّر خاصی داشت و محمد جلال عبده در محضر ایشان تلمذ می‌کرد. شیخ اصول را با بیانی علمی به گونه‌ای تدریس می‌کرد که گاهی برای دانشجویان فهم آن آسان نبود. کلمات قصار شیخ همواره در خاطر دانشجویان آن وقت به جای مانده است (عبده، ۱۳۶۸: ۵۹-۵۸). وی سرانجام در سال ۱۳۲۷ه.ش/۱۹۴۸م. در تهران درگذشت و در کربلای معلی به خاک سپرده شد (مبارکیان، ۱۳۷۷: ۳۸۴-۳۸۳ و عاقلی، ۱۳۶۹: ۳۲۳).

شیخ محمد عبده (بروجردی)

شادروان شیخ محمد عبده چهره‌ای شاخص و یکی از حقوقدانان کاردان بود که نوآوری‌ها و نظریات ابتکاری او در نظام قضایی، همچنان زبانزد قضات و وکلای دادگستری است (عبده، ۱۳۶۸: ۱/ ۳۰). وی از اولین

پایه‌گذاران دادگستری نوین ایران و از خوشنام‌ترین قضات کشور بود که سالها ریاست دادگاه انتظامی قضات را بر عهده داشت. وی نزدیک به سی سال ریاست محکمه عالی انتظامی قضات را بر عهده داشت و به بیانی قاضی القضاات دادگستری نوین بود. ایشان فرزند شیخ ملاحسین بروجردی، از روحانیون محترم و متقی بروجرد بود که جدش ملا محمد تقی گلپایگانی در سال ۱۳۰۰ه.ش/۱۹۲۱م. در شهرستان بروجرد به دنیا آمد. وی از زمان کودکی به فراگیری فقه و اصول در محضر مجتهدین بنام معاصر خود، نظیر آقا سید ریحان الله، آیت‌الله میرزا حسن آشتیانی، آیت‌الله لاهیجی و میرزا هاشم حکیم و شیخ حسین ناظرزاده پرداخت و در علوم چون فقه، ادبیات عرب، حکمت و منطق تبحر یافت (امینی، ۱۳۸۱: ۲۹).

وی در سن ۲۱ سالگی از محضر آیت‌الله العظمی میرزا حسن آشتیانی درجه اجتهاد یافت و پس از اخذ درجه اجتهاد، مدتی به شغل معلمی و به تدریس زبان عربی روی آورد و در عین حال به تکمیل معلومات فقه، اصول و حکمت خود می‌پرداخت (عبده، ۱۳۶۸: ۸/ ۲۰). اندکی بعد که مدرسه آلمانی تأسیس شد به معرفی میرزا عبدالعظیم خان قریب که با وی دوستی داشت و در آن مدرسه تدریس کرد، به تدریس دو زبان آلمانی و فرانسوی را نیز آموخت. هنگامی که عده‌ای از روحانیون در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) متحصن شده بودند وی نیز به همراه مرحوم میرزا مصطفی آشتیانی با آنها بود (عبده، ۱۳۶۸: ۱/ ۲۱). در مهاجرت علما به قم نیز مشارکت داشت و در آنجا با جوانی به نام سید ضیاءالدین بر خورد که قصد عزیمت به شیراز و تأسیس روزنامه ندای اسلام را داشت. این آشنایی بعدها تبدیل به دوستی نزدیکی شد که در روابط بعدی بین آن دو اثر گذاشت. در کتاب حیات یحیی آمده است که ایشان از سوی کمیته سرّی به همراه شیخ

محسن نجم‌آبادی مأمور ابلاغ پیغام حکومت ملی به خدمت امین‌السلطان رسیدند تا از نظر وی نسبت به حکومت ملی مطلع گردند و ملیون تکلیف خویش را بدانند وی در جواب فرستادگان شرحی از اندیشه‌های گذشته و آینده‌اش را مطرح نمود و در پایان خواست فرستادگان را امتحان کند و رشوه‌ای به آنان دهد که آنها تعرض کرده، می‌گویند: نه بگیرید و نه بدهید. امین‌السلطان از این بیان قاطع حیرت متحیر شده و ضمن مذاکره با ایشان، اظهار امیدواری کرد که روح تازه‌ای در مملکت دمیده و احساسات جدیدی در بین ملت بروز نموده است (عبده، ۱۳۶۸: ۱/ ۲۲-۲۱).

وی در سال ۱۳۳۱ ه.ش / ۱۹۵۲ م. به دستور میرزا احمدخان اشتری که معاونت وزارت عدلیه را بر عهده داشت، به عنوان عضو محکمه استیناف تهران آغاز به کار کرد. در خاطرات محمد عبده آمده است در اوائل مشروطیت مقاله‌ای توسط دهخدا در روزنامه صوراسرافیل چاپ شد که عده‌ای از مقدس‌مآبان آن را نوشته‌ای الحادی تلقی کردند و قرار شد که وی را محاکمه کنند. قضات عبارت بودند از حاجی سید نصرالله تقوی، میرزا رضاخان نائینی و شیخ محمد عبده. میرزا رضاخان نائینی، دهخدا را بدون مقدمه طرف عتاب و خطاب قرار می‌دهد و او را متهم می‌کند. شیخ پس از خواندن مقاله در دفاع از دهخدا بیان می‌کند که در آن به هیچ نکته‌ای الحادی برنخورده است و تنها به رفتار پاره‌ای از روحانیون ایراد شده است و به دین مقدس اسلام توهینی روا نداشته و مؤکداً نظر به تبرئه دهخدا می‌دهد، سید نصرالله تقوی هم نظر وی را تأیید می‌کند (عبده، ۱۳۶۸: ۱/ ۲۵-۲۴). وی پس از تشکیل دادگستری نوین به مستشاری دیوان تمیز و کمی بعد به عضویت محکمه انتظامی قضات منصوب شود. داور که به خصوصیات شخصیتی شیخ عبده جهت تصدی ریاست دادگاه انتظامی قضات نیاز داشت و او را مناسبترین فرد برای این امر خطیر تشخیص داد. وی

عده‌دار ریاست دادگاه انتظامی قضات دادگستری شد و تا زمان بازنشستگی، حدود سی سال در این سمت به انجام وظیفه پرداخت. در مدت ریاست او بر دادگاه انتظامی قضات، هیچ کس نشنید که به سفارش این و آن و یا ملاحظه فلان مقام، بی‌گناهی را محکوم و گناهکاری را تبرئه کند. اصولاً چون همه با روحیات و خصوصیات او آشنا بودند، چنین توقعاتی از او نداشتند. وی همواره تأکید می‌کرد که هر قاضی دارای دو پرونده است یک پرونده که در وزارت دارد و یکی هم در سینه ایشان (عبده، ۱۳۶۸: ۱/ ۳۰). وی در کنار فعالیت‌های قضایی به تدریس در مدرسه عالی حقوق و دانشکده هیات دانشگاه تهران و حوزه‌های علمیه مانند مدرسه صدر و سپهسالار قدیم مشغول بود (عبده، ۱۳۶۸: ۱/ ۵۸). نظریات او در امور قضایی، همواره جزو نمونه‌های ابتکاری و جالب توجه قضایی، حکمیت و استدلال‌های حقوقی و مرجعی تمام عیار در علوم حقوقی و اصول محاکمات به شمار می‌آمد. درباره استقلال رأی وی در قضاوت‌هایش تأکید فراوانی شده است. هنگامی که مدعی‌العموم استیناف مرکز بود و موضوع تعقیب اعضای کمیته مجازات طبق دستور وزیر عدلیه در دادگاه استیناف تعقیب شد، شیخ در اظهار نظر شفاهی خود در دادگاه استیناف دلایل ارائه شده را برای ادامه توقیف متهمین کافی ندانست و رئیس محکمه که میرزا سید محمد فاطمی قمی که از فضلای عدلیه بوده رأی به آزادی متهمین داد که وزیر عدلیه، در مقام برکناری شیخ از سمت مدعی‌العمومی بر می‌آید. سید ضیاءالدین که از این جریان آگاه می‌شود؛ پس از ملاقات با وثوق الدوله رئیس الوزراء مانع این اقدام می‌شود. شیخ در اظهار نظر شخصی خود کاملاً آزاد بود و قانوناً الزام نمی‌دانست از نظر وزیر متابعت کند. به دستور وثوق الدوله شیخ در سمت خود (مدعی‌العمومی استیناف) تا زمان انحلال عدلیه ابقاء گردید. (عبده، ۱۳۶۸: ۱/ ۲۶). شیخ محمد عبده سالهای پر بار عمر خود را همیشه در پی تحصیل علوم

اسلامی و تدریس و قضاوت و انتشار آثار پرداخت تألیفات باقی مانده از او عبارتند از: حقوق مدنی، شرح قانون مدنی، کلیات حقوق اسلامی، اصول و رویه قضایی مستخرجه از آرای دیوان عالی تمیز، صرف و نحو عربی و اصول الفقه که به زبان عربی از انتشارات دانشگاه که در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌شد (عبده، ۱۳۶۸: ۱/ ۳۲-۲۶). وی در سحرگاه ۱۵ تیر ۱۳۴۶ ه.ش/ ۱۹۶۷ م. پس از ادای نماز صبح چشم از جهان فرو بست و بر جنازه او مرجع عالی قدر، آیت‌الله مرعشی نجفی، نماز میت خواند و پیکرش در جوار حرم حضرت معصومه (ص) در شهر قم به خاک سپرده شد (عبده، ۱۳۶۸: ۱/ ۳۳-۳۲).

حاج شیخ اسدالله ممقانی

حاج شیخ اسدالله ممقانی در سال ۱۲۶۴ ه.ش/ ۱۸۸۵ م. در ممقان تبریز به دنیا آمد، وی تحصیلات خود را در زمینه فقه و اصول و علوم حقوق اسلامی، در زادگاهش آغاز کرد و برای ادامه آن به نجف اشرف رفت و در محضر آخوند ملا کاظم خراسانی و دیگر علمای نجف اشرف به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. وی پس از دریافت درجه اجتهاد، به دلیل طرفداری از جنبش مشروطیت به ترکیه رفت و به تبلیغ مشروطیت پرداخت. در سال ۱۲۹۵ ه.ش/ ۱۹۱۶ م. به استخدام وزارت خارجه درآمد و به نمایندگی از ایران در ترکیه به عنوان رئیس محکمه نظارت بر امور شرعیه در استانبول به انجام وظیفه مشغول شد. ممقانی از روحانیون اصلاح طلب دینی اواخر عصر قاجار بود که ساختار جامعه روحانیت را به چالش کشید. وی مرجعیت علمای دینی را در امور دینی و دنیوی، منوط به شرایطی می‌داند و در صورت عدم احراز این شرایط، مرجعیت نیز منتفی می‌گردد. وی تأکید می‌کند که هرگاه صلاحیت عالم دینی برای مرجعیت، محدود به صلاحیت در مرجعیت امور روحانی باشد دیگر صلاحیت

دخالت در امور غیرشرعی را ندارد و از وظایف روحانی بودن این است که در دوایر رسمی و محاکم شرعیه، مرجع آن احکامی که راجع به این صنف است، باشند؛ مثل محاکمات شرعیه، نکاح و طلاق، نصب قیام و همچنین بیان احکام عبادیه مردم از قبیل مسائل صوم، صلوات و غیرذالک و در اموری که راجع به سایر شئون حیاتیه است، مداخله نماید (مقمقانی، ۱۳۶۳: ۲۵). بدین ترتیب ممقانی، خط پایانی بر صلاحیت مداخله محاکم شرع در امور عرفی کشیده است و اگر جز این نظر، نظر دیگری می‌داشت، نمی‌توانست سمت وزارت عدلیه را در کابینه ساعد مراغه‌ای به خود اختصاص دهد. در سال ۱۳۰۶ ه.ش/ ۱۹۲۷ م. به دعوت علی اکبر داور به عنوان مستشاری دیوان عالی تمیز به کادر عدلیه نوین پیوست. که بعدها عناوین شغلی متعددی را بر عهده گرفت عبارتند از: مدعی العموم استیناف اصفهان، معون پارک دیوان عالی تمیز، مستشار دیوان عالی تمیز (شعبه‌های مختلف بویژه ۳ و ۴)، معاون اول دادسرای دیوانعالی کشور، رئیس شعبه چهارم دیوان عالی کشور، وزیر دادگستری کابینه ساعد مراغه‌ای و جز آن وی از اعضای کمیسیون تهیه و تدوین قانون مدنی به شمار می‌آمد (جلدهای دوم و سوم) و از قضات نامدار دادگستری بود، او در محاکمات جنجالی و تاریخی دادگستری مانند محاکمه نصرت الدوله فیروز شرکت کرد. اهم تألیفات او عبارتند از: مسلک الامام فی سلامه الاسلام و دین و شئون. تا اینکه ممقانی در یازدهم سال ۱۳۴۹ ه.ش/ ۱۹۷۰ م. پس از ۸۵ سال در تهران بدرود حیات گفت (مقمقانی، ۱۳۶۳: ۲۴).

شیخ محمد کاظم عصار

محمد کاظم عصار از پیشکسوتان عدلیه نوین، در خانواده ای روحانی در سال ۱۲۶۴ ه.ش/ ۱۸۸۵ م. در کاظمین دیده به جهان گشود. وی فرزند آقا سید محمود لواسانی

اسلامی بود. قانون مدنی به طور کلی از مراجع و منابع فقه شیعه ترجمه و خلاصه نویسی شده است ولی به وضوح مشخص نشده که در تهیه آن و حتی جلد‌های دوم و سوم این قانون از چه مراجع و منابعی استفاده شده است. عرف قانون نویسی این است که از یک یا چند منبع استفاده - شود. برای تدوین قانون مدنی از کتبی نظیر لمعه، شرح لمعه، شرایع الاسلام، تذکره علامه، جواهر، مکاسب شیخ، عروه الوثقی سید کاظم یزدی استفاده شد (امینی، ۱۳۵۹: ۱۲۰). مأخذ قانون مدنی بالأخص جلد اول بیشتر منابع حقوق اسلامی و فقه امامیه است و دانشمندانی که عهده- دار این امور بودند از منابع مهم عربی مانند: شرح لمعه شهیدین و شرایع محقق و مکاسب شیخ مرتضی انصاری استفاده نمودند (امین، ۱۳۸۲: ۵۱۲). به عنوان مثال از کتاب جامع عباسی تألیف شیخ بهایی در فهرست منابع قانون مدنی فرانسه نام برده شده است. همچنین آنان اقوال مشهور فقهای شیعه که مورد ارجاع علما و حوزه‌های علمیه قرار می‌گرفت، به زبان فارسی درآوردند و مبوب ساختند. کتاب‌های حقوقی مربوط به تاریخ حقوق مدنی و حقوق کشورهای اسلامی نظیر: الاحکام الجعفریه فی الاحوال الشخصیه تألیف شیخ عبدالکریم حلّی، شرح القانون المدنی تألیف احمد فتاحی زغلول، شرح استاد سلیم رستم باز بر قانون و مجله الاحکام العدلیه تألیف سلیم رستم باز را که قانون مدنی عثمانی بود، مطالعه کردند. ترجمه بسیاری از قوانین ملل اروپایی به ویژه قانون مدنی بلژیک، سوئیس و فرانسه مورد بررسی کمیسیون واقع شد و به ویژه در تدوین جلد‌های دوم و سوم (از ماده ۹۵۶ تا ۱۳۳۵) بسیار مورد استفاده قرار گرفت (شایگان، ۱۳۲۴: ۲۴). صدرالاشراف نحوه مراجعه به آراء و اقوال فقهی را چنین بیان کرد که در کمیسیون مقرر شد که چون فتاوی علمای اعصار اخیر اغلب مطابق آرای مشهور متأخرین از فقها درجه اول یعنی از زمان شیخ طوسی و محقق و علامه حلّی به بعد است؛ قانون

عصار از جرگه روحانیون بود. محمد کاظم عصار در کنار آموزش علوم اسلامی و تحصیل در حوزه علمیه به دارالفنون رفت و به تحصیل علوم جدید پرداخت و در علوم عقلی و ریاضیات تبحر خاصی یافت (آشتیانی، ۱۳۷۶: ۹۳-۸۹، ۱۵۴-۱۵۶). سپس به قصد تحصیل طب جدید به پاریس رفت ولی هنگام ورود به سالن تشریح، این رشته را با مذاق خود سازگار نیافت، سپس به نجف رفت و به تحصیل عرفان عملی پرداخت. وی از مدرسین مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی بود (موقتیان، بی تا: ۴۴، ۵۴، ۱۸۵). جلال عبده از شاگردان وی درباره وی آورده است که دروس مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی را با علاقه فراوان دنبال می‌کرد به علاوه نزد مرحومان شیخ محمد سنگلجی و سید کاظم عصار به تحصیل فقه و اصول و حکمت می- پرداخت (عبده، ۱۳۶۸: ۷۰). وی مدتی در دانشگاه سوربن فرانسه به تحصیل فلسفه جدید پرداخت و از روحانیون برجسته و استاد حوزه و دانشگاه بود و بسیاری از استادان نام‌آور فعلی از جمله: سید محمدرضا جلالی نائینی، بدیع‌الزمان فروزانفر، سید حسین نصر و مهدی محقق از شاگردان او بودند. وی از استادان بزرگوار در نجف اشرف، از جمله مرحومان سید محمد کاظم یزدی، شریعت اصفهانی، میرزا محمدتقی شیرازی، آقا سید ضیاءالدین عراقی اجازه اجتهاد مطلق داشت (همایی، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۶۷). وی داماد شیخ علی بابا عالم فیروزکوهی بود و در دی ماه سال ۱۳۵۳ هـ. ش/ ۱۹۷۴ م. در تهران درگذشت (امین، ۱۳۷۷: ۶۴-۱۴۶، سپهرم، ۱۳۴۱: ۳۹۲-۳۹۱).

مأخذ قانون مدنی

قانون مدنی ایران بر مبنای فقه اسلامی تدوین گردیده است که این امر پدیده بدیعی در تاریخ حقوق کشورهای

مقابل آن قابل اعتنا نیست. ثانیاً واضعین قانون مدنی در کار خود مبتکر بوده‌اند و برای مبتکرین هر امر، افتخار ابتکار کافی است. گام اول و مهم را آنها برداشته‌اند، دیگران باید در تکمیل و رفع نواقص آن بکوشند.

نمونه اقدامات و تلاش‌های روحانیون متنفذ در تدوین قانون مدنی

روحانیون برجسته در نظام قضایی نهایت تلاش خود را برای احقاق حق ملت ایران به کار می‌گرفتند، از جمله سید محمد فاطمی قمی، مدون جلد اول قانون مدنی که تلاش‌های بسیار در نظام قضایی نوین به کار بست (فاطمی قمی، ۱۳۷۷: ۲۴). ناصر دولت‌آبادی در مقدمه کتاب فقه فارسی درباره ایشان چنین می‌نویسد: مراتب فضل و دانش و سکون و وقار مرحوم فاطمی زبانزد بود تا آنجا که زمانی که در مقام ریاست شعبه چهارم دیوان کشور قرار داشت، از طرف داور به او ابلاغ می‌شود که نظر شاه در این پرونده چنین است. ایشان تاکید می‌کند، آنچه حق است، رعایت خواهد شد و مسئول جوابگویی آن کسی نیست. ظاهراً نظر شاه در آن پرونده رعایت نمی‌شود (فاطمی قمی، ۱۳۷۷: ۲۴). نکته دیگر توصیه به قضات است. وی معتقد بود اگر قانونی را صد بار مورد عمل قرار داده باشید، دفعه صد و یکم که می‌خواهید به آن استناد کنید، مجدداً بخوانید و سپس مورد پیش آمده را بر آن عرضه نمایید. خواهید دید که این دفعه چیزی از آن در می‌یابید که پیش از آن برنخورده بودید و هیچگاه به اتکای حافظه رأی ندهید (فاطمی قمی، ۱۳۸۹: ۲۱). عدلیه نوین که توسط داور پایه‌گذاری شده بود، علی‌رغم تلاش‌هایی که برای طرد روحانیون از دستگاه قضایی داشتند، مسلماً در این زمینه ناکام ماندند و از عوامل

مطابق رأی مشهور از علمای متأخرین تدوین شود... چه بسا لازم بود برای یک ماده، به چندین کتاب از کتب مفصله فقهی مراجعه شود و غالباً مباحثات در یک ماده دو، سه جلسه طول می‌کشید و قواعد علامه، شرح لمعه شهیدین، شرایع محقق و مکاسب شیخ مرتضی انصاری، متون اصلی مورد مراجعه کمیسیون مزبور بود (صالح، ۱۳۴۳: ۲۶۹). در جلد اول عمده مواد مقدمه و تقسیم اموال به منقول و غیرمنقول (حائری، ۱۳۷۶: ۱/ ۹۴-۶۸) و همچنین پاره‌ای از مواد راجع به عقود و قراردادهای قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است و جلد دوم و سوم را چنانکه وزیر عدلیه در مجلس صریحاً بیان کرده، با مراجعه به قوانین خارجه، مخصوصاً قانون سوئیس که خیلی مفصل است نوشته‌اند در قسمت‌هایی عین عبارت ذکر شده است، مثل تکالیف زوجین و حقوق خانوادگی را (حائری، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۳). نویسندگان قانون مدنی از هر حیث واجد صلاحیت برای این امر خطیر بودند. اکثریت آنان به زبان فرانسوی آشنایی داشتند و برای موضوعات تازه حقوق به قوانین مدنی فرانسه، بلژیک و سوئیس مراجعه می‌کردند. این مطلب را وزیر عدلیه در مجلس صریحاً بیان کرده است که مواد قانون مدنی در بسیاری از موارد ترجمه مستقیم از موارد مشابه در حقوق فرانسه و کشورهای اروپایی است اما مواد مربوط به احوال شخصیه در موارد متعددی، تدوین مجدد احکام اسلامی بود (حائری، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۳). جلد اول قانون مدنی در مورد موضوعات عمومی بود و در امور مرتبط با احوال شخصیه که تدوینی مجدد از احکام اسلامی بود، مجلس مجلد این قانون را بدون گفتگو با یک قیام و قعود تصویب کرد و به اختلاف اقوال فقها در مجلس خاتمه داد (صالح، ۱۳۴۸: ۲۳۶-۲۳۷). به هر حال اگر نویسندگان عالم و مترجمین قانون مدنی نتوانستند نکات قانون‌گذاری را در وضع آن رعایت کنند، نمی‌توان بر آنان خرده گرفت؛ زیرا اولاً اقدام آنها به خودی خود چنان ارزشی دارد که این جزئیات در

علما، فراهم ساخت. زیرا هر قدر آنان بیشتر ثروت و قدرت خود را از دست دادند، نفوذشان در میان عامه مردم بیشتر شد. با رفتار ضد روحانیت رضاشاه، باورهای سنتی عامه درباره علما و روحانیون شیعی به عنوان آخوندهای مفت‌خور و پول‌پرست سست شد در عوض وظایف اصلی آنان به عنوان حامیان مردم در برابر حاکمان مستبد ثروتمند، در نظر مردم برجستگی یافت (کرونین، ۱۳۸۲: ۱۳).

نتیجه

تحولات عدلیه در دوران پهلوی اول ادامه تحولاتی است که پس از نهضت مشروطیت در حوزه قضا و داوری در کشور رخ داد. پایه‌گذار این طرح نوین علی اکبر داور بود که پس از پنج سال (۱۳۱۳-۱۳۰۷ش) کار مداوم، شاهکاری در طراحی لوایح قانونی پدیدآورد. اعضای کمیسیون تهیه قانون مدنی، از بین حکما و فقهای صاحب‌نام و با تجربه انتخاب شده بودند که با توجه به شرع انور اسلام، به تهیه و تدوین قانون مواد مدنی پرداختند. سرمداران دولت مطلقه مدرن با سعی و مساعی زیاد هیچگاه نتوانستند نظام قضایی را از فقه به عنوان مهمترین منبع حقوق اسلامی بی نیاز گردانند و فقها به عنوان عالمان و شارحان حقوق اسلامی همواره در صدر بودند. مخالفین روحانیون و اسلام نتوانستند که نظام قضایی را به سوی دستگاه قضایی کاملاً سکولار سوق دهند، چرا که حقوق اسلامی در طول چهارده قرن در این جامعه حاکمیت داشت و مبنای حل و فصل دعاوی حقوقی بود. نادیده انگاشتن این خصوصیت در یک دوره کوتاه امکان پذیر نبود. همه کشورها در تدوین قانون مدنی بسیار دقت می‌کنند و برای این منظور از بزرگترین حقوقدانان که بر مفاهیم و معیارهای حقوقی و ارزش

دانشمندی که در دروس قدیمه فقه و اصول تبخّر داشتند و با حقوق جدید از طریق مطالعه کتب مصری و لبنانی به زبان عربی آشنا بودند، بهره بردند. داور بیان کرده که سعی داشته یک عمارت کهنه کثیف را در عدلیه خراب کرده و روی آن یک بنای سنگی محکم عدل و داد بسازد ولی در موقع ساختن عده زیادی از اشخاص با نفوذ سر رسیدند و هر یک به اصرار خشت یا آجری در وسط ساختمان گذاشتند که بنای محکم را هم از ترکیب انداخته و هم از استحکام (خواجه نوری، ۱۳۴۵: ۴۷). همچنین در کتاب «خاطرات یک نخست وزیر» آمده است: تا عدلیه آبرومندی، با قضات تحصیل کرده دائر نکنند، نمی‌توانند شر اجانب را از سر خود کوتاه کنند و برای الغای کاپیتولاسیون هیچ راهی جز بنیان گذاری عدلیه بر اساس محاکم اروپایی وجود ندارد (عاقلی، ۱۳۷۱: ۵۷-۵۶). تنها اشکال اصلاحات داور این بود که این ساختار نو در نظام قضایی بیشتر به درد فرانسه می‌خورد تا ایران آن زمان. زیرا بیشتر قوانین مدنی و بسیاری از قوانین جزایی به سنت‌های موجود تکیه داشتند. اشکال از ساختار کلی، سلسله مراتب و روال کار بود (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۴۴۳). نکته مهمی که نباید در این باره مغفول بماند این است که نظام قضایی هر جامعه‌ای متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همان جامعه بنا می‌شود. به فرض اینکه سازوکار نظام قضایی جوامع غربی عاری از هرگونه معایب باشد، بومی آن جوامع است و معلوم نیست که ارائه نسخه آن در جوامعی مانند ایران که دارای فرهنگ و سنت کهن و نظام قضایی خاص خود بوده است، قرین موفقیت باشد و مشکلات عدیده‌ای را فراهم نیاورد. تناقض اینجاست که این کوتاه کردن دست علما و روحانیون، بیشتر زمینه را برای تقویت و بالا رفتن حیثیت و اعتبار

های آن جامعه و حتی دیگر نظام های حقوقی مسلط باشند، کمک می‌گیرند. قانون مدنی ایران که که نقش مهمی در تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی داشت، مستقیماً بر مبانی فقه و حقوق اسلامی تحت نظر علما و روحانیون شیعی، طی کمیسیون های متعدد تدوین گردید که اعضای آن کمیسیون ها اکثراً از پایگاه و طبقه روحانیون عصر بودند. در حقیقت قانون مدنی همان تدوین فقه امامیه موجود بود که توسط علما و روحانیون عالم، به صورت قانون مدون کشوری درآمد. برای تهیه این قانون، چکیده مطالب و کلام فقها به صورت تازه درآمد و بدون حشو و زواید و تعلیق و حواشی، در یکجا جمع شد و در دسترس عموم قرارگرفت. اعضای این کمیسیون عبارت بودند از: آقای حاج سید نصرالله تقوی، محمد فاطمی قمی، آقای سید محمد یزدی، آقای سید محمدرضا افجه‌ای، آقای سید حبیب الله شبیر، شیخ اسدالله ممقانی، شیخ محمد عبده، شیخ علی بابا فیروزکوهی بنابراین قوانین مدنی جزء نوادر قوانین کشورهای اسلامی است که در آن قواعد فقه امامیه رعایت گردیده است و تدوین کنندگان آن از چنان صلاحیتی و اعلیتی برخوردار بودند که توانستند از مبانی مستحکم فقه امامیه در قالب نوین و منطبق با اسلوب پیشرفته تدوین قوانین بهره گیرند و در عین حال از حقوق فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی نیز استفاده کنند و در این تلفیق به شکل قابل تحسینی موفق باشند.

منابع

الف) کتاب‌ها

- امینی، داود. (۱۳۵۹). چالش های روحانیت و رضاشاه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس .
- امینی، علیرضا. (۱۳۸۱). تحولات سیاسی و اجتماعی

- ایران در دوره پهلوی، تهران: صدای معاصر.
- امین، حسن. (۱۳۸۲). تاریخ حقوق ایران، تهران: انتشارات دائرة المعارف ایرانشناسی .
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (بی تا). تاریخ حقوق ایران، تهران: انتشارات معرفت .
- ----- . (۱۳۳۶). ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه ابن سینا .
- ----- . (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش
- حائری شاه باغ، سید علی. (۱۳۷۶). شرح قانون مدنی، تهران: کتابخانه گنج دانش .
- حقدار، علی اصغر. (۱۳۸۴). محمد علی فروغی و ساختارهای نوین مدنی، تهران: کویر .
- خواجه نوری، ابراهیم. (۱۳۴۵). بازیگران عصر طلایی، تهران: سازمان افست .
- جواهرکلام، عبدالحسین. (۱۳۸۲). تربت پاکان، قم: انتشارات انصاریان.
- دوکاستری، کنت هنری. (۱۳۰۹). اسلام و اندیشه‌ها، مترجم فرانسوی به عربی احمد فتحی زغلول پاشا، مترجم از عربی به فارسی آقا میرزا سید محمد فاطمی قمی، تهران: چاپ خاور .
- راوندی، مرتضی. (۱۳۵۹). تاریخ اجتماعی ایران، تهران: امیرکبیر.
- ----- . (۱۳۶۸). سیر قانون و دادگستری در ایران، تهران: چشمه .
- ----- . (۱۳۷۰). شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی، بی جا: بی نا.
- سپهرم، امیر مسعود. (۱۳۴۱). تاریخ برگزیدگان و عده- ای از مشاهیر ایران و عرب، تهران: انتشارات زوار.
- شایگان، علی. (۱۳۲۴). حقوق مدنی ایران، تهران:

- چاپخانه مجلس. ----- (۱۳۶۸). **چهل سال در**
- (۱۳۷۵). **کلیات حقوق مدنی، به**
کوشش محمدرضا بندرچی، تهران: طه.
- (۱۳۵۱). **نخبران سیاسی ایران از**
شجیعی، زهرا. **انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: سخن.**
- (۱۳۶۴). **صدر (صدرالاشرف)، سید محسن.**
صدر (صدرالاشرف)، تهران: وحید.
- (۱۳۵۵). **رضاشاه کبیر و تحولات**
صفایی، ابراهیم. **فرهنگی ایران، تهران: فرهنگ و هنر.**
- (۱۳۷۳). **نخست وزیران ایران؛**
چهل خاطره از چهل سال، تهران: علمی.
- (۱۳۴۸). **سرگذشت قانون؛ مباحثی**
صالح، علی پاشا. **از تاریخ حقوق؛ دورنمایی از روزگاران پیشین تا**
امروز، تهران: سازمان چاپ دانشگاه تهران.
- (بی تا). **پدر و پسر؛ ناگفته‌های از**
طلوعی، محمود. **زندگی و روزگار پهلوی ها، تهران: علمی.**
- (۱۳۷۳). **بازیگران عصر پهلوی از**
فروغی تا فردوست، تهران: انتشارات علم.
- (۱۳۷۶). **روزشمار تاریخ ایران، تهران:**
عاقلی، باقر. **گفتار.**
- (۱۳۷۷). **رضاشاه و قشون متحدالشکل،**
تهران: نشر نامک.
- (۱۳۸۰). **شرح حال رجال سیاسی و**
نظامی معاصر ایران، تهران: گفتار.
- (۱۳۶۹). **داور و عدلیه، تهران:**
انتشارات علمی.
- (۱۳۷۱). **خاطرات یک نخست**
وزیر، متین دفتری، تهران: علمی.
- (۱۳۸۰). **حقوق مدنی،**
عبد (بروجردی)، محمد. **تهران: گنج دانش.**
- (۱۳۶۸). **چهل سال در**
صحنه قضایی، سیاسی، دیپلماسی ایران و جهان،
ویرایش مجید تفرشی، تهران: مؤسسه خدمات
فرهنگی رسا.
- (۱۳۷۷). **فقه فارسی، به کوشش**
فاطمی قمی، محمد. **ناصر دولت آبادی، تهران: انتشارات آوای نور.**
- (۱۳۸۹). **خاطرات فاطمی قمی،**
به کوشش حسن زندیه، تهران: چاپ کتابخانه
مجلس شورای اسلامی.
- (۱۳۶۷). **ذکاء الملک**
فروغی، محمدعلی (ذکاء الملک). **فروغی و شهریور ۱۳۲۰، تهران: علمی و سخن.**
- (۱۳۸۹). **سیاست نامه**
ذکاء الملک (مقاله‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های
سیاسی محمدعلی فروغی)، به اهتمام ایرج افشار،
هرمز همایون پور، تهران: انتشارات روشن.
- (۱۳۷۹). **مجلس و نوسازی در ایران،**
قفلی، وحید. **تهران: نشر نی.**
- (۱۳۷۲). **اعظام قدسی (اعظم الوزاره)، حسن.**
خاطرات من (تاریخ صد ساله)، تهران: کارنگ.
- (۱۳۷۹). **دولت و جامعه در**
ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه
حسن افشار، تهران: مرکز.
- (۱۳۶۹). **مقدمه علم حقوق و مطالعه**
کاتوزیان، ناصر. **در نظام‌های حقوق مدنی، به‌نشر: انتشارات**
مدرس.
- (۱۳۸۲). **شکل‌گیری ایران نوین؛**
کرونین، استفانی. **دولت و جامعه در دوران رضاخان، ترجمه**
مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.
- (۱۳۷۷). **چهره‌ها در آموزش عالی**
مبارکیان، عباس. **حقوق و عدلیه نوین، تهران: نشر پیدایش.**

- مکی، حسین. (۱۳۷۴). تاریخ بیست ساله ایران، تهران: انتشارات علمی.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۴). دیوان سنا، به اهتمام ماهدخت بانو همایی، تهران: نشر هما.
- مدنی، جلال‌الدین. (۱۳۶۱). تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: انتشارات اسلامی.
- مدرس تبریزی، میرزا محمد علی. (۱۳۷۴). ریحانه الادب، تهران: خیام.
- ممقانی، اسدالله. (۱۳۶۳). مسالک الامام فی سلامه الاسلام، به کوشش صادق سجادی، تهران: نشر تاریخ ایران.

ب) مقالات

- آشتیانی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۷۶). «به یاد استاد سید کاظم عصار»: کلک، شماره ۹۳-۸۹، ۱۵۶-۱۵۴.
- امین، سید حسن. (۱۳۷۷). «سید محمد کاظم عصار؛ فیلسوف و عارف»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۴، ۱۴۶-۱۵۷.
- موقتیان، محمد. (بی تا). «سیدمحمد کاظم عصار»، ارمغان، دوره ۴۴، ش ۵۴: ۱۸۵-۱۷۰.

ج) روزنامه‌ها

- روزنامه اطلاعات، ش ۳۸۰، سال اول، (۱۳۰۶).
- روزنامه اطلاعات، ش ۴۱۸، سال اول، (۱۳۰۶).
- روزنامه اطلاعات، ش ۲۰۱، سال دوم، (۱۳۰۷).